



Husbands' Permission and the Guarantee of Women's Dignity in Light of the Order of 'No-Harms'

Narjes Sharif Beheshti¹, Masoud Raei Dehaghi^{2*}, Mohamadali Heidari³

1. PhD Student of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Department of Theology and Islamic Studies, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

2. Assistant Professor of Law Department, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

3. Assistant Professor of Law Department, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 71-86

Article history:

Received: 9 Jan 2024

Edition: 18 Mar 2024

Accepted: 25 May 2024

Published online: 21 Oct 2024

Keywords:

Husband's permission, responsibility, woman's dignity, harmless rule, right, obligation.

Corresponding Author:

Masoud Raei Dehaghi

Address:

Iran, Najafabad, Islamic Azad University, Najafabad Branch, Law Department.

Orchid Code:

Tel:

Email:

Masoudraei@yahoo.com

ABSTRACT

Background and Aim: Regarding the need to preserve the dignity of women from the perspective of religion, the present study investigates the issue of husbands' permission according to the order of 'No-Harms', as the governing jurisprudential order, how to degrade dignity through permission, and the conflict between the two. Accordingly, the question arises whether husbands' permission in the general sense of submissiveness (Commandment in all general affairs of life) is in conflict with the dignity of women or not?

Materials and Methods: This article is descriptive and analytical. Materials and data are also qualitative and data collection was used to collect materials and data.

Ethical Considerations: In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are respected.

Findings: the findings indicate according to the governing rule of No-Harms, it is understandable and acceptable to claim the dignity of women does not have any problems with permission (In the general affairs of life) in the prior order, and in cases where permission entails harm, it can challenge women's dignity, especially when men abuse this right, or the lack of permission contradicts with a more important matter.

Conclusion: Thus, it indicates the use of permission, in its true position, directly impacts the determination of parameters for interaction between couples, and emphasizing the need to preserve the dignity of women by citing the order of 'No-Harms', will provide legislators with a strong document for proposing fair laws in the family area, and revive the true position of women.

Cite this article as:

Sharif Beheshti N, Raei Dehaghi M, Heidari MA. Husbands' Permission and the Guarantee of Women's Dignity in Light of the Order of 'No-Harms'. *Economic Jurisprudence Studies*. 2024.



دوره ششم، شماره پیاپی ۵، سال ۱۴۰۳

اذن زوج و تضمین کرامت زن در پرتو قاعده لاضرر

نرجس شریف بهشتی^۱، مسعود راعی دهقی^{۲*}، محمدعلی حیدری^۳

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

۳. استادیار گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: پژوهش حاضر با توجه به لزوم حفظ کرامت زن از منظر دین، به بررسی مسئله اذن زوج در پرتو قاعده لاضرر به‌عنوان قاعده فقهی حاکم، چگونگی تنزل کرامت به واسطه اذن و تعارض این دو می‌پردازد. در همین راستا این سؤال مطرح می‌شود که آیا اذن زوج در معنای عام تمکین (فرمان‌برداری در تمام امور کلی زندگی) با کرامت زن در تعارض است یا خیر؟

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که با توجه به حاکمیت قاعده لاضرر این ادعا قابل فهم و مورد قبول می‌اشد که کرامت زن در حکم اولی با اذن مشکل نداشته و در مواردی که اذن در امور کلی زندگی مستلزم ضرر است می‌تواند کرامت زن را با چالش مواجه نماید. خصوصاً زمانی که مرد از این حق سوء استفاده کرده یا جایی که عدم اذن با امر اهمی در تعارض باشد.

نتیجه: به‌کار بستن اذن در جایگاه حقیقی خود در تعیین مناسبات برای تعامل زوجین تأثیر مستقیم داشته و تأکید بر لزوم حفظ کرامت زن با استناد به قاعده لاضرر، سندی محکم برای طرح قوانین منصفانه در حوزه خانواده توسط قانونگذاران، و احیای جایگاه حقیقی زن در دسترس خواهد گذاشت.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۷۱-۸۶

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۹

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۱۲/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۳۰

واژگان کلیدی:

اذن زوج، مسئولیت، کرامت زن، قاعده لاضرر، حق، تکلیف.

نویسنده مسئول:

مسعود راعی دهقی

آدرس پستی:

ایران، نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف‌آباد، گروه حقوق.

کد ارکید:

تلفن:

پست الکترونیک:

Masoudraei@yahoo.com

۱. مقدمه

پروین اکبرینه (۱۳۹۰) در مقاله‌ای به بررسی نقش قاعده لاضرر در تعارض حق اشتغال زوجه با حقوق زوج پرداخته است. مطابق نتایج مقاله مورد اشاره، با تشکیل زندگی مشترک، حقوق و تکالیفی برای زوجین ایجاد می‌شود که در راستای تحکیم خانواده رعایت آن برای طرفین الزامی می‌باشد. هرچند اصل بر آزادی اشتغال زن می‌باشد، در صورت تعارض با حقوق زوج و یا ایجاد ضرر برای خانواده برای اشتغال زوجه محدودیت ایجاد می‌شود. با توجه به خصوصی بودن رابطه زوجیت طرفین عقد می‌توانند به‌منظور رفع محدودیت‌های قانونی با شرط اشتغال در سند ازدواج، نسبت به ایجاد حق و یا تقلیل محدودیت قانونی ناشی از ازدواج اقدام نمایند. مطالعه مبانی فقهی و قانونی اشتغال زوجه نشانگر این موضوع است که به جز موارد استثنایی محدودیتی در این زمینه وجود ندارد و نظیر سایر نظام‌های حقوقی به‌منظور حفظ مصالح خانوادگی و منافع طرف مقابل زوجه از اشتغال منع شده است (اکبرینه، ۱۳۹۰). حسین غفوری چرخابی و محمد قدرتی (۱۳۹۷) نیز در مقاله‌ای قاعده لاضرر با رویکرد تطبیق برحق کرامت انسانی را بررسی کرده‌اند. بر اساس نتایج مقاله مذکور، از منظر علم حقوق، آزادی اراده اشخاص در برآوردن منافع خود، از اهمیت ویژه‌ای برای تأمین بیشترین رفاه اجتماعی جامعه برخوردار است و دولت‌ها، علاوه بر اینکه نایستی مانع فعالیت مردم شوند؛ بلکه در مدیریتشان نسبت به رفع تزام منافع، ابتدا باید به دنبال تجمیع منافع افراد با یکدیگر باشند و در صورت عدم امکان، اولویت را به برآورده نمودن منافی دهند که بیشترین کارکرد عمومی را برای بیشترین افراد جامعه دارد. خلیل‌اله احمدوند و

در مکتب اسلام خانواده به‌عنوان یکی از خرده‌نظام‌های مهم و تأثیرگذار مطرح بوده و اهتمام به خانواده و اصول جاری در آن از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. لذا سعادت بشری به‌دنبال اجرایی کردن عوامل نظم‌دهنده آن پدیدار خواهد شد. نظامی که اسلام آن را ضامن رشد و سلامت مادی و معنوی جامعه انسانی دانسته است (سبحانی، ۱۳۸۲، ج ۹۹، ۶۴). و برای هر یک از این نظام‌ها توصیف‌های گوناگونی ارائه نموده است؛ از جمله در حوزه خانواده و برای تقویت روابط زن و شوهر و پیش‌گیری از ناسازگاری، به مواردی چون حسن معاشرت (نسا/ ۱۹)، اظهار محبت (کلینی، ۱۳۹۵، ج ۵، ۵۶۹)، عفت کلام، سهل‌گیری در معیشت (کلینی، ۱۳۹۵، ج ۴، ۱۱)، امنیت و آرامش (اعراف/ ۱۸۹) و حتی الگوهای رفتاری مناسب در هنگام جدایی و طلاق امر نموده است. اهمیت حفظ سلامت خانواده و روابط زوجین که متشکل از تعاملات گوناگون است و هر کدام را نسبت به یکدیگر دارای وظایف و حقوق معین و تعریف‌شده‌ای نموده، ایجاب می‌نماید که اقدامی گسترده در تبیین حقوق و وظایف هر یک از ایشان و نیز چگونگی تنظیم و هماهنگی این دو و جلوگیری از هر گونه تعارض و تزام بین حق و وظیفه صورت پذیرفته و با به‌کار بستن اصول و قواعدی مناسب، آن را در چهارچوب قوانینی نظام‌مند به رسالت حقیقی-اش نزدیک نمود. از جمله حقوقی که برای زوج بیان شده اذن و از جمله تکالیف زوجه، تمکین است. خصوصاً تمکین در معنای عام کلمه که قدر مسلم آن خروج از منزل و در معنای موسع شامل موارد دیگری می‌باشد. پژوهش‌های متعددی در زمینه حقوق زن از منظر فقهی و حقوقی انجام شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌ها نشان داد که با توجه به حاکمیت قاعده لاضرر این ادعا قابل فهم و مورد قبول می‌باشد که کرامت زن در حکم اولی با اذن مشکل نداشته و در مواردی که اذن مستلزم ضرر است می‌تواند کرامت زن را با چالش مواجه نماید. خصوصاً زمانی که مرد از این حق سوء استفاده کرده یا جایی که عدم اذن با امر اهمی در تعارض باشد.

۵. بحث

مرد و زن از لحاظ ماهیت انسانی و لوازم آن یکسان- اند. یعنی هر دو «انسان» هستند. نهایت اینکه در عین داشتن وحدت نوعی، به دو صنف منطقی (یا به تعبیر عرفی) به دو جنس تعلق دارند. اشتراک در بسیاری از حقوق و تکالیف به سبب این است که زن و مرد در انسان بودن مشترک هستند؛ اما گذشته از این اشتراک به جهت برخی ویژگی‌های خاص زنان و مردان در دین اسلام برای آن‌ها مسئولیت‌های متناسب با جنس و طبعاً حقوق متناسب با مسئولیت‌ها قرار داده است.

۵-۱. برابری کرامت زن و مرد از منظر قرآن

ذات خلقت بشری به اعتبار ولقد کرّمنا بنی آدم (اسراء/۷۱-۷۰) منشا کرامت است و این یعنی انسان فی‌نفسه و صرف نظر از جنسیت و از هر آنچه بر او عارض می‌شود، از این کرامت الهی برخوردار است. تا آنجا که حتی عموم مشرکان، کافران، و فاسقان مشمول این نوع کرامت بوده و ظاهر آن است که این آیه بیان حال عموم بشر است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۳، ۱۵۶). کرامتی که نشأت گرفته از نفخت فیه من روحی (حجر/۲۹-۱۵)، سخر لکم ما فی السمّوات

حدیث شنبه‌پور (۱۴۰۲) نیز در مقاله‌ای، دو قاعده لاضرر و نفی عسر و حرج در اعسار زوج از پرداخت نفقه با لزوم تمکین زوجه را به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار داده‌اند. تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به سایر پژوهش‌های انجام‌شده این است که به بررسی اذن زوج و تضمین کرامت زن در پرتو قاعده لاضرر می‌پردازد. این پژوهش به استناد قاعده مهم لاضرر و با تبیین لزوم حفظ کرامت به‌عنوان آورده‌ایی بی‌نظیر که شارع مقدس بر آن به شدت تأکید و ارزش‌گذاری فرموده و در ادبیات حقوق بشر نیز به-طور گسترده مطرح و مد نظر است، به این سؤال پاسخ خواهد داد که با توجه به قاعده مذکور، آیا اذن و کرامت با یکدیگر تعارضی دارد یا خیر؟ خصوصاً زمانی که اذن مستلزم وهن، ضرر یا تحقیر زوجه گردد و یا زوج از این حق سوء استفاده کند. سعی محققان بر این است که با طرح این مسئله، پاسخی منطبق بر مستندات شرعی و عقلی بیان نماید. هدف مقاله حاضر، اثبات لزوم پای‌بندی زوج به اصل اخلاقی ارزشمند و مهم کرامت در مواجهه با زوجه و نیز طرح دیدگاهی نو جهت بازنگری قوانین حقوقی در حوزه زنان به استناد قاعده لاضرر و با حفظ کرامت زن می‌باشد.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۱۸؛ اسرا/۳۷) از جمله موارد قابل ذکر در این راستا می‌باشد.

نکته قابل تأمل دیگر در تأیید آنچه بیان شد، اینکه خداوند متعال زن و مرد را آفرید تا بر اساس ویژگی‌های خود در کنار یکدیگر تکامل یابند و در عین حال هر یک از زوجین را جداگانه در پیشگاه خود مسئول دانست که لازمه این مسئولیت، برخورداری هر یک از آن‌ها از قدرت، اختیار، استقلال و آزادی اراده، فکر و عمل می‌باشد.

۵-۲. محدوده اذن از منظر فقهی

آنچه تاکنون مفسرین و فقها به استناد آیه ۳۴ سوره نساء و مسئله تمکین مطرح و محدوده اذن را به واسطه آن تعیین نموده‌اند مواردی چون خروج زن از منزل (البته با قید اینکه اگر این خروج برای انجام فعل واجب همانند انجام حج واجب یا فراگیری احکام واجب باشد و در صورتی که فراگیری آن در منزل ممکن نباشد در این صورت خروج زن از منزل را بدون اذن شوهر جایز دانسته و میان فقهای امامیه اختلافی وجود ندارد (جبعی عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۸، ج ۸، ۴۴۶؛ محقق حلی، ۱۴۰۸، ۵۶۹؛ فاضل هندی، ۱۴۲۴، ج ۷، ۵۱۶؛ علامه حلی، ۱۴۱۹، ج ۳، ۱۰۸؛ فخرالمحققین، ۱۳۸۹، ج ۳، ۲۷۴؛ نجفی، ۱۳۶۵، ج ۳۱، ۳۴۱). شوهر در محدوده استمتاع از زوجه، بر او ولایت دارد و می‌تواند وی را از انجام هر کاری که با این حق در تنافی باشد، منع نماید و در این فرض اذن گرفتن از شوهر، وجوب مولوی دارد (ساجئی و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۴۱).

در کل برخی از مهم‌ترین موارد محدوده اذن زن از شوهر عبارت است از: (۱) خروج زن برای عمل واجب:

و ما فی الأرض جمیعاً (جائیه/۴۵-۱۳-۱۲) و اِنِّی جَاعِلٌ فِی الْاَرْضِ خَلِیْفَةً (بقره/۳۰) می‌باشد و ارسال رسل و انزال کتب و تعلیم انسان به وَعَلَّمَ اَدَمَ الْاَسْمَاءَ کُلَّهَا (بقره/۳۱) مهر تأییدی بر این ودیعه است. این کرامت در بر دارنده قوه تعقل، انتخاب، اختیار، آزادی عقیده، عدم تقلید کورکورانه، تفکر و خردورزی است، خردی که با آن حق از باطل، خیر از شر و سود از زیان شناخته می‌شود تا بتوان آزادانه و آگاهانه انتخاب نمود و به واسطه آن، شخصیت و کرامت انسانی خود را پاس داشت (بجنوردی، ۱۴۰۱، ۱۴۱). قرآن با مخاطب قرار دادن همه انسان‌ها اعم از زن و مرد و توصیه به تعقل و تفکر در پرتو ایمان و عمل صالح، مدیریت رفتار را به انسان می‌آموزد و آن‌ها را در برابر کرامت خود و دیگران متعهد و مسئول می‌داند و به سوی ثبات شخصیت و تحصیل کرامت سوق و آن را مهم و با عظمت نشان می‌دهد تا هیچ‌کس به آسانی به شکستن آن اقدام نکند. زیرا هر اجتماع کوچک و بزرگی در صورتی پاک و سالم خواهد ماند که حرمت و کرامت اشخاص در آن لحاظ گردد. لذا این نگرش می‌باید در همه امور زندگی، رفتارها، گفتارها و کردارهای انسان جاری و ساری باشد تا خانواده‌هایی سالم و در نهایت جامعه‌ای سالم پدید آید. به همین دلیل، قرآن در همه مواردی که برای انسان تعیین تکلیف می‌کند، هر گونه رفتاری که با این اصل آفرینش انسان در تضاد و با انسانیت انسان ناهماهنگ باشد، مطرود می‌داند. نفی و نهي از تحمیق (توبه/۳۴-۳۱)، نگرش طبقاتی (ال عمران/۶۴؛ بقره/۱۹۹)، تمسخر (حجرات/۴۹/ ۱۱؛ همزه/۱)، اهانت (نور/۱۰-۴)، منت‌گذاری به وقت احسان و صدقه (بقره/۲۶۳-۲۶۱)، تجسس (حجرات/۱۲)، تکبر (نحل/۲۹؛ زمر/۷۲-۶۰، غافر/۷۶؛ لقمان/۱۹-

در این زمینه نیز فقها، اعم از فقها (علامه حلی، ۱۳۷۸، ج ۳، ۱۰۸ و ۱۰۹) همگی بر این باورند که خروج زن برای انجام اعمال واجب و در صورت ضرورت، نیازمند اذن همسر نیست. این حکم هم در مورد انجام فرایض دینی مانند حج واجب جاری است و هم در شرایطی که زن نیازمند خروج از منزل است مانند وقتی که مرد نفقه او را نمی‌پردازد و راهی نیز برای الزام او وجود ندارد. (۲) خروج زن منافی حق استمتاع مرد باشد. در این حالت نیز فقها بر یک قول‌اند و همگی متفق‌اند که زن در چنین حالتی نیازمند اذن همسر است. چراکه استمتاع از حقوق مرد و از لوازم ازدواج صورت گرفته است و زن حق ندارد مرد را از چنین حقی محروم کند. در این باره می‌توان به نظر فقهای بزرگی چون امام خمینی (ره) و سایرین اشاره کرد (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۲، ۲۲۸). مسلماً این مورد نیز محل بحث ما نخواهد بود؛ زیرا در اینکه حق مرد باید ادا شود، اختلافی میان فقها، از گذشته تا امروز، وجود ندارد. (۳) خروج زن منافی حق استمتاع مرد نباشد؛ اما محل اشکال و اختلاف فقها در این مورد است. یعنی زمانی که زن قصد خروج از منزل را دارد و این خروج عقلاً و منطقیاً منافاتی با حق استمتاع مرد ندارد. در این حالت فقها دو نظر متفاوت دارند. احسان به والدین، حق تحصیل، حق اشتغال، فعالیت‌های اقتصادی و مالی، نذر، قسم، انفاق، حضور در مجامع، روزه مستحبی، حج مستحبی و غیره می‌باشد که در ادامه به محل تعارض آنچه تاکنون در این باب مطرح شده با لزوم حفظ کرامت انسانی زن و نیز قاعده لاضرر پرداخته خواهد شد.

۵-۳. اذن و کرامت

علی‌رغم تمامی تفاوت‌های فیزیکی و شخصیتی زن و مرد، اسلام حقوق انسانی برابر برای ایشان در نظر گرفته است. لذا وجوب و اطلاق اذن، خصوصاً در رابطه با خروج زن از منزل در رابطه با انجام امور گوناگون، از جمله اتیان به واجباتی چون احسان به والدین و نیز انجام مستحبات، با دیدگاه کالانگاری زن هم‌خوانی بیشتری دارد تا با دیدگاه حقیقی دین. زیرا شرع مقدس، هم‌سان مردان، کرامت، ارزش، شخصیت و حیثیت والا برای زنان در نظر گرفته و در بعد اجتماعی و اقتصادی نیز حقوقی برابر با مردان برای ایشان قائل شده است. از آنجا که عقد ازدواج قراردادی برای زندگی مشترکی است که بین دو انسان با بهره‌مندی کامل از حقوق و امتیازات برابر و دارای ارزش‌های انسانی و الهی منعقد می‌گردد و هدف از تشکیل آن بردگی جنسی زن نیست، محصور و محدود نمودن بی قید و شرط زن در حصار اذن شوهر، نادیده گرفتن کرامت انسانی و محروم ساختن آشکار وی از آزادی و روا داشتن تبعیض در حق اوست و این حق برابری در صورتی محقق خواهد شد که زن به سان مرد از تمامی حقوق و امتیازات نشأت گرفته از شأن و کرامت انسانی برخوردار و نیز امکان بهره‌برداری از استعدادهای ودیعه نهاده شده در وجودش را دارا باشد. به استناد مسلمات دین، اصول انسانی و سنت‌های الهی، زن همانند مرد، در ابعاد مختلف زندگی اعم از عمومی و خصوصی، دارای حقوق مسلمی چون کرامت، آزادی و برابری است. همانگونه که آیت الله خمینی معتقد است «در خصوص زنان، اسلام هیچگاه مخالف آزادی آنها نبوده است. به عکس اسلام با مفهوم زن به عنوان شی مخالف کرده و شرافت و حیثیت وی را به وی بازگردانده است. زن مساوی با مرد است، زن مانند

مرد آزاد است که سرنوشت و فعالیت‌های خود را انتخاب کند» (خمینی، ۱۳۶۸، ج ۲، ۴۴). «همان طوری که مرد در همه شئون دخالت دارد، زن هم دخالت دارد ... همان طوری که مردان اختیار دارند، زنان نیز اختیار دارند» (خمینی، ۱۳۶۸، ج ۱۱، ۲۵۴).

آنچه مسلم است وظایف زوجین از منظر حقیقی دین، در چارچوب قوانین عادلانه و منصفانه و با در نظر گرفتن کرامت انسانی زن و احترام به تمام حقوق انسانی او، تبیین گشته و با وظایف اصلی وی هیچ گونه تعارض و تضادی ندارد. اسلام باب کرامت در زندگی را به طور کامل به روی زن گشوده و او را درون ویژگی‌های زنانه‌ی خویش، زندانی نکرده است. لذا هرگونه تعدی و تجاوز به این حریم مقدس و به هر بهانه‌ای (مانند اذن) که منجر به مخدوش نمودن کرامت زن گردد خلاف سنت الهی و رضایت پروردگار خواهد بود. دست‌آویز قرار دادن دین برای این که زن از حقوق طبیعی خود و از انجام واجباتی مسلم محروم گردد جفایی عظیم در حق دین و زن می‌باشد. اینکه زن تحت هر عنوانی، حق خروج از منزل را نداشته حتی اگر این عدم اذن از سر لجاجت و خصومت و اجحاف باشد از بارزترین مصادیق زیر پانهادن کرامت اوست. زیرا و «حتی اگر بپذیریم که جامعه ما جامعه مرد سالار است، این نباید توجیهی برای مرد تلقی شود که به خود اجازه دهد انتقال همسرش به خانه خود را انگیزه‌ای برای نادیده گرفتن شخصیت وی در برابر شخصیت خویش بداند و عواطف و احساسات و روابط اجتماعی او را با خانواده و اطرافیانش نادیده بگیرد. این کار معمولاً با این توجیه انجام می‌شود که مرد می‌خواهد همسرش کاملاً در اختیار او باشد. درحالی که او باید به

همسرش به‌عنوان یک انسان بنگرد و رفتار و زندگی با وی چنان باشد که انسانیت او و انسانیت خودش را در محدوده رابطه متقابل در نظر بگیرد. زندگی زناشویی به معنای نادیده گرفتن شخصیت یکی از دو همسر توسط دیگری نیست، بلکه نوعی قرارداد قانونی و شرعی میان دو تن است. بنابراین زن و شوهر باید زندگی زناشویی را به دیده خرد بنگرند نه به دیده احساسات» (آخوند خراسانی، ۱۴۳۷، ج ۲، ۱۹۴). «به‌طور قطع نقش انسانی زن مهم‌ترین نقش او در زندگی است و او باید در حرکت خود بر این نکته پافشاری کند که انسانی دارای خرد، اراده و عاطفه است و نقش و نیروی حرکت در زندگی را دارد. انسان بودن زن، مهم‌ترین جنبه شخصیت اوست که مجسم‌کننده چیزی است که خدا او را برای انجام آن آفریده است. خدا او را آفریده تا از نیروی خویش به زندگی بدهد، چنان که مرد را نیز آفریده تا از توان خویش به هستی بدهد. بنابراین، ما معتقدیم که جنبه زنانه شخصیت زن در دایره محدودی قرار دارد؛ اما جنبه انسانی شخصیت او را، در حرکت وی به‌عنوان زن، در بر می‌گیرد؛ این حرکت خواه همراه با همسرش و خواه در احساس درونی او به‌عنوان یک زن باشد، باید با جنبه زنانه همراه گردد، به گونه‌ای که جنبه انسانی موجود در زن، آن فعالیت را غنی سازد ارتقا بخشد و برای دیگران سودمند سازد» (فضل‌الله، ۱۳۸۱، ۷۷). تأکید بر تسری اذن زوج از زبان دین به همه امور و فعالیت‌های زوجه از جمله مصادیقی است که در آن کرامت انسانی زن نادیده گرفته شده است و این برخلاف واقعیت و حقیقت افرینش است. زیرا کرامت ذاتی انسان‌ها موجب آن شده است که آنان حقوق و تکالیف خاصی را در ایفای این حق دارا بوده باشند (جعفری

مناسبت مطرح شده و سند اثبات این لزوم برخی از روایات واصله می‌باشد. هم‌چنین در تفاسیر گوناگون شیعه از جمله المیزان، نمونه، نور و ... و نیز تفاسیر اهل سنت مانند الکشاف، الاضواء البیان فی تفسیر القرآن بالقرآن، أنوار التنزیل وأسرار التأویل ذیل آیه ۳۴ سوره نساء مباحث قابل تأملی در این زمینه مطرح گردیده است. در کتاب شخصیت و حقوق زن در اسلام از مهدی مهریزی شخصیت انسانی زن در ابعاد گوناگون مورد مذاقه قرار گرفته و به برخی از اصول حاکم بر روابط زن و شوهر اشاره شده و برخی از محدودیت‌هایی که به نام دین بر زن اعمال می‌شود را مردود دانسته است. کتاب زن در اندیشه اسلامی از همین محقق به بیان شخصیت زن از دیدگاه قرآن و سنت پرداخته و به جایگاه زن در خانواده و مسئولیت‌های سنگین او در جایگاه و نقش تربیتی فرزندان اشاره نموده، فرآیند حضور مثبت و سازنده زن را با حفظ جایگاه حقیقی‌اش در خانواده به تحلیل گذاشته و به اثبات رعایت لزوم این حق برای زن همگام با شرایط مطرح در دین پرداخته است. دنیای زن از مجموع مصاحبه‌های علامه سیدمحمد حسین فضل‌الله که از جمله کتاب‌ها و گفتارهای نو در نگرش به مسائل زنان و امور مربوط به آن‌ها می‌باشد، در ابتدا به تشریح نوع نگرش اسلام به زن پرداخته و به حقوق او در خانواده و حقوق انسانی او در مقایسه با مردان اشاره، وظایف و مسئولیت‌های هریک را جداگانه و به استناد قرآن مطرح کرده و به اختصار و گذرا به طرح برخی محدودیت‌ها و سختگیری‌های نابه‌جا در پوشش اذن و فاصله آن با حقیقت دین پرداخته است. کتاب اسلام، زن و جستاری تازه از همین شخص به طرح مسائل مربوط به زنان و لزوم حفظ جایگاه ایشان با

تبریزی، ۱۶۰، ۱۳۷۷-۱۵۶). کرامت به‌عنوان اصلی-ترین شاخصه وجودی انسان مورد نظر و تایید شارع حکیم بوده و حفظ این ودیعه بر تک‌تک افراد واجب و ضروری است. لذا هیچ حکم و حقی اجازه مخدوش نمودن آن را نداشته، حفظ و رعایت حدود آن بر همگان اعم از زن و مرد و با در نظر داشتن تمام تکالیف و وظایف الزامی و ضروری است؛ زیرا که «تلك حدود الله فلا تقربوها» (بقره/ ۱۸۷).

به استناد آیات الهی قرآن و به واسطه اینکه زن همچون مرد دارای کرامت انسانی است، مستمسک قراردادن آیه الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ استفاده ایی ابزاری جهت خدشه دار نمودن کرامت زن است زیرا به نقل از علامه طباطبائی «قیمومت مرد بر زنش به این نیست که سلب آزادی از اراده زن و تصرفاتش در آنچه مالک آن است بکند و معنای قیمومت مرد این نیست که استقلال زن را در حفظ حقوق فردی و اجتماعی او و دفاع از منافعش سلب کند، پس زن همچنان استقلال و آزادی خود را دارد، هم می‌تواند حقوق فردی و اجتماعی خود را حفظ کند و هم می‌تواند از آن دفاع نماید و هم می‌تواند برای رسیدن به این هدف‌هایش به مقدماتی که او را به هدف‌هایش می‌رساند متوسل شود. بلی دامنه استقلال و آزادی زنان تا آنجایی گسترده است که به حق شوهر مزاحمت نداشته باشد» (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۴، ۵۴۵-۵۴۴).

۵-۳-۱. مسئله لزوم تمکین و اخذ اذن زن از شوهر

مسئله لزوم تمکین و اخذ اذن زن از شوهر در کلیه کتب فقهی در ابواب نکاح، نذر، قسم و روزه به

وقتی کسی رئیس شد، دیگران هم برای خود جایگاه و حقوقی دارند» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴، ج ۶، ۱۱۶). «قرآن، خانواده را دارای نظامی جامع و در مسیر کمال فردی و جمعی می‌بیند و آن را مجموعه‌ای متعالی با نیرویی بالقوه برای تأمین اهدافی مقدس و برای محقق نمودن آن معرفی کرده و جایگاه حقوقی و وظایف افراد را با این ویژگی همسان می‌سازد. بنابراین خانه و خانواده مکان و جایگاهی جهت تأمین نیازهای پسندیده است؛ نه قلمرویی برای حکمرانی و ایجاد حاکمیت مستبدانه و مطلق. زیرا که زن و مرد در انسانیت برابرند؛ ولی زن انسانی است با چگونگی‌های خاص و مرد انسانی با چگونگی‌های دیگر» (مطهری، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ۳۰).

۵-۳-۳. حفظ شئون فردی

هریک از زوجین با توجه به تعهد ایجاد شده که در راستای ازدواج پدید می‌آید، می‌باید در جایگاه حقیقی خود به ایفای نقش بپردازند و قطعاً بهترین روش برای ساماندهی و مدیریت خانواده به‌عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی که دارای عمیق‌ترین تعهدات می‌باشد، تثبیت و سپس ایفای نقش‌ها است. زن و مرد مسلمان، در سایه ازدواج، پیمان وحدتی مبتنی بر ایجاد محیطی سالم و هدفمند بسته‌اند. لذا باید موقعیت یکدیگر را در نظر داشته و احترام، تکریم، درک متقابل، گذشت، صبوری، ایثار و همراهی را سرلوحه عملکرد خود قرار دهند. زیرا در یک خانواده سالم، همسرسالاری معنا نداشته و همگی تابع حق و عدالت‌اند.

گاه زوجین آن‌چنان در نقش خانوادگی خود فرو می‌روند که خود را فراموش کرده و از نیازهای شخصی خود غافل می‌مانند. درحالی‌که خانواده‌ای فعال، پویا

توجه به تأکیدات دین و سیره ائمه (ع) پرداخته و به تناسب به برخی از اصولی که رعایت آن‌ها در خانواده ضروری می‌باشد نیز اشاره کرده است. در انتها می‌توان گفت با توجه به مطالعات انجام‌شده، تا کنون پژوهشی با موضوع مقاله حاضر به انجام نرسیده است. جهت ورود به بحث اصلی به برخی موارد و مفاهیم آن‌ها اشاره و سپس بحث و نتیجه‌نهایی بیان خواهد شد.

قاعده لاضرر (ضرر، مقابل نفع و عبارت است از ورود نقصان در مال، جان و آبرو) در خصوص قاعده لاضرر و لاضرار فی الاسلام به بیان مختصر و مفیدی از دیدگاه شهید مطهری بسنده می‌شود که: «یکی دیگر از جهاتی که به این دین خاصیت تحرک و انطباق بخشیده و آن را زنده و جاوید نگه می‌دارد این است که یک سلسله قواعد و قوانین در خود این دین وضع شده که کار آن‌ها کنترل و تعدیل قوانین دیگر است. فقها این قواعد را قواعد «حاکمه» می‌نامند، مانند قاعده «لا حَرَجَ» و قاعده «لا ضَرَرَ» که بر سراسر فقه حکومت می‌کنند. کار این سلسله قواعد کنترل و تعدیل قوانین دیگر است. در حقیقت، اسلام برای این قاعده‌ها نسبت به سایر قوانین و مقررات حق «وتو» قائل شده است» (مطهری، ۱۳۷۹، ج ۱۹، ۱۲۵).

۵-۳-۲. توجه به جایگاه خانواده

اولین گام در تنظیم روابط زوجین درک موقعیت و جایگاه خانواده می‌باشد. لذا توجه به هدف اصلی خانواده که ایجاد تسکین و نشر در میان اهل آن است، ضروری و انطباق‌گفتار، رفتار و عملکرد در این راستا مهم و لازم است. «اسلام خانواده را مانند یک اداره می‌داند، مرد در خانواده حکم رئیس را دارد و زن مانند معاون و بچه‌ها به‌عنوان افراد آن هستند،

بر زنان، پس از بیان حکم قوام بودن و سرپرستی مرد اوصافی از ارزشهای انسانی زن مطرح می شود که *فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ* (نسا/۳۴). زیرا نقش زن در بهره برداری یا اخلال نظم خانواده فوق العاده مهم تر و بیشتر از مرد است و ثابت می کند که رکن اصلی و عامل اعتدال خانواده، زن است (جعفری تبریزی، ۲۷۵، ۱۳۶۱). بررسی آیات قرآن کریم و به خصوص آیه ۱۳ سوره حجرات، شاهدی بر این ادعاست که نظریه و شبهه برتری مرد نسبت به زن به طور جد و در نهایت شیوایی رد شده و تنها ملاک برتری داشتن، تقوای الهی است و یقیناً از مصادیق حقیقی تقوی رعایت و احترام به حریم و حقوق زنان و مردان توسط یکدیگر می باشد. لذا این فکر که زن فقط و فقط باید در کنج خانه محبوس بماند و حتی با حفظ حریم و رعایت عفاف هم از علم و هر کمالی، الزاماً باید محروم بماند و کاری جز اطفای شهوت مرد و خدمتکاری او ندارد و ... علاوه بر اینکه با اسلام جور در نمی آید ضد عواطف انسانی است (مطهری، ۱۳۷۹، ج ۱۹، ۶۱۸).

«معنای قیمومت مرد این است که چون هزینه زندگی زن را از مال خودش می پردازد تا از او استمتاع ببرد، پس بر زن نیز لازم است در تمامی آنچه مربوط به استمتاع و هم خوابگی مرد می شود او را اطاعت کند و اسلام همین کار را کرده و اما غیر این، در امور عامه و اجتماعی، از قبیل تعلیم و تعلم و کسب و پرستاری بیماران و مداوای آنان و امثال این گونه امور که دخالت عواطف منافاتی با مفید بودن عمل ندارد، زنان را منع نفرمود و سیرت نبویه نیز بسیاری از این کارها را امضا کرد. چنان که آیات قرآن خالی از دلالت بر اجازه این گونه کارها برای زنان نیست؛ چون لازمه

و دارای سلامت روانی خواهد بود که هویت انسانی و شخصی تک تک افراد در آن لحاظ گردد. بنابراین، زن و مرد می بایست علاوه بر تلاش در راستای بهبود و تعالی ایفای نقش های خویش، تأمین خواسته ها و نیازهای شخصی خود را جزو عوامل مؤثر، تحکیم بخش و تعالی دهنده خانواده قلمداد کنند. اجبار به فرورفتگی در نقش ها در خانواده بیشتر گریبانگیر زن به عنوان همسر و در نقش مادر می باشد. در حالی که این دو جایگاه مهم الزاماً می بایست در اختیار فردی توانمند و دارای کرامت و شأنیتی تعریف شده باشد تا بتواند به نحو شایسته به تمامی وظایف خود رسیدگی و عمل نماید.

۵-۳-۴. تبیین قوامیت مرد به معنای مسئولیت

آنچه بر اساس آیه قرآن، به عنوان «قوامیت» نامیده شده و در خانواده به عهده مرد سپرده می شود به هیچ عنوان قابل تفسیر به صورت شخصی یا تاریخی نیست تا حاکمیت مرد بر خانواده، طبق سلیقه فردی صورت گیرد؛ بلکه این ریاست صرفاً سمتی است که وظایف بسیار مهمی را بر عهده مرد می گذارد. اولین وظیفه مرد، برپایی و رعایت اصل معروف در خانواده است؛ یعنی قبل از آنکه مردان مسئولیت قوامیت بر زنان را بپذیرند، مأمور به فرمان «قل امر ربی بالقسط» (اعراف / ۲۱) و «کونوا قوامین بالقسط» (نساء / ۳۴) می باشند و مهم آن است که برپایی قسط در خانواده توسط مردان، حداقل وظیفه آنان در برقراری روابط در خانواده خواهد بود و باید آن را تا حد متعالی از حسن معاشرت، تعالی بخشند. این مدیریت، فخر معنوی نیست، و فقط یک مسئولیت اجرایی است» (جوادی آملی، ۱۳۶۹، ۳۶۷). چنانچه برای رفع توهم برتری ذاتی و فضیلت مردان

حریت زن در اراده و عمل شخصی این است که بتواند این‌گونه کارها را انجام دهد؛ چون معنا ندارد از یک طرف زنان را در این‌گونه امور از تحت ولایت مردان خارج بداند و ملکیت آنان را در قبال مردان معتبر بشمارد و از سوی دیگر نهیشان کند از این که به نحوی از انحا ملکشان را اداره و اصلاح کنند و هم-چنین معنا ندارد به آنان حق دهد که برای دفاع از خود در محکمه شرع طرح دعوی کنند و یا شهادت بدهند و در عین حال از آمدن در محکمه و حضور نزد والی یا قاضی جلوگیری شود و هم‌چنین سایر لوازم استقلال و آزادی» (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۴، ۵۴۵).

۵-۳-۵. عدالت

عدالت امری ذاتی و تکوینی و خارج از قوانین قراردادی است و هیچ ابهامی وجود ندارد که اجرای عدالت همیشه و در همه جا ضروری است. انسان‌ها در طول زندگی، ملزم و موظف به ایفای نقش‌های متقابل جهت پاسخ‌گویی به نیازهای یکدیگر می‌باشند. لذا همان‌گونه که در کلیه تعاملات، طرفین جهت وصول به آنچه مطلوب خود می‌دانند کارکردهای متفاوتی را متعهد می‌گردند در خانواده و روابط خانوادگی نیز این چنین است و به‌طور قطع با همسان شدن وظایف یا جابه‌جایی آنها با یکدیگر، خسارات بزرگی بر این روابط وارد خواهد شد. زیرا تعادل و توازن بین حقوق و تکالیف در سایه خدمت متقابل، امکان بروز و ظهور پیدا می‌کند و الزاماً در صورت وجود یک تقابل صحیح و ترکیب موزون در روابط، این مهم حاصل می‌شود. اقتضای برپایی عدالت، پای‌بندی به تمام آنچه که حق طبیعی یک انسان است می‌باشد و این امر در محدودترین روابط

تا گسترده‌ترین آنها ضروری و لازم خواهد بود و رضایت قلبی افراد از اجرای عدالت، و بهره‌مندی از زندگی سالم و همراه با آرامش از شیرین‌ترین نتایج و دستاوردهای آن می‌باشد. خداوند حکیم با تعیین قواعد حاکم بر روابط خانوادگی که گاه متضمن تبیین حق‌ها و گاه بیان‌کننده مسئولیت‌ها و تکالیف هستند، نظام حقوق خانواده را عادلانه و حکیمانه بنا نهاده و بدین‌وسیله تناسب میان حق و مسئولیت را برقرار نموده است. در آیه «ولهن مثل الذی علیهن بالمعروف وللرجال علیهن درجه» (بقره/۲۲۷) برای آنان حقوقی شایسته است، همانند وظیفه‌ای که بر عهده آنها است، به صراحت به برقراری تناسب حقها (لهن) و مسئولیت‌ها و تکالیف (علیهن) اشاره کرده (حرانی، ۱۳۶۳، ۲۹۲) و عادلانه بودن قواعد را متذکر می‌شود. لذا لزوم تمکین برای زن و الزام به حسن معاشرت برای مرد، پیاده‌سازی عدالت در اجتماع کوچک خانواده است و هر آنچه با این دو اصل مهم در تلاقی باشد خلاف عدل و منتهی خواهد بود.

با توجه به اهمیت و تأکید بر عدالت در شریعت مقدس اسلام و نیز تسری آن، هم‌سان با مسئله توحید به همه امور اعتقادی، عملی، فردی، اجتماعی، اخلاقی و حقوقی به واقعیت ناعادلانه مکتوم در آنچه تاکنون در مسئله اذن با تمام جوانب و گستره‌اش نهفته است پی برده شد و باید گفت که اذن حقیقتاً زمانی دارای جایگاه متناسبی خواهد بود که همگام با انجام وظایف و تکالیف و تعهدات نسبت به زوج، تمامی حقوق یک زن به‌عنوان همسر لحاظ گردد که بالعدل قامت السماوات و الارض زیرا که اسلام تنها توصیه به عدالت نمی‌کند؛ بلکه مهم‌تر از آن اجرای

زوج می‌باشد که آیاتی از قرآن کریم و نیز روایات و ادله عقلی آن را تأیید می‌کند (محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۱، ۱۳۱). بر اساس این قاعده، هر حکمی که از طرف شارع مقدس تشریح می‌شود، اگر مستلزم ضرر شود مورد تأیید شارع نخواهد بود. قاعده مذکور و حکومت آن بر کلیه امور و مسائل شرعی و عقلی، به‌عنوان سندی محکم برای اثبات عدم سرایت و لزوم اخذ اذن در همه امور و خصوصاً خروج از منزل قابل توجه و تامل است؛ زیرا تأیید بر صحت داشتن لزوم اخذ اذن زوج برای هر آنچه زن همانند مرد به واسطه اهلیت تمتع و اهلیت استیفا و در چهارچوب شرع و قانون، امکان بهره‌مندی و بهره‌برداری از آن را دارد مصداق حقیقی ضرر خواهد بود (حرعاملی، ۱۴۲۳، ۲۲۴). عدم اتیان به واجبات مؤکدی چون احسان به والدین که از جمله مصرحات در دین می‌باشد یا دور ماندن از تحصیل و افزایش توان علمی، عدم ارتقای فکری و فرهنگی، نداشتن اشتغال و پشتوانه مالی، زن و به تبع او فرزندان و مجموعه خانواده را از جوانب و زوایای گوناگون متضرر ساخته و به یقین از منظر دین مطرود می‌باشد؛ زیرا از جمله نتایج این خسارات، تنزل کرامت انسانی زن می‌باشد. لذا الزام به تسری اذن زوج به کلیه اقدامات زوجه به استناد شرع و در اغلب اوقات استفاده ابزاری از اذن به‌عنوان حربه‌ای جهت اعمال نظر شخصی توسط زوج و ایجاد ممانعت برای استفاده زن از حقوق طبیعی الهی و انسانی او از مصادیق بارز ضرر و در مخالفت آشکار با حسن معاشرت و اخلاق بوده و به بیان قرآن، تعرض به حدود الهی است، و «من یتعدّ حدود الله فاولئك هم الظالمون» (بقره / ۲۲۹) و قرآن آشکارا بیان فرموده که «وَاللّٰهُ لَا يُحِبُّ الظّٰلِمِيْنَ» (آل عمران / ۵۷).

عدالت است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ۳۰۲) و عدالت زمانی اجرا خواهد شد که شرایط برخورداری همه افراد اعم از زن و مرد از حقوق طبیعی و خدادادی به‌طور یکسان و برابر فراهم گشته که إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ (نحل / ۹۰) و با این شرایط دین اجرا خواهد شد؛ زیرا که اسلام عادلانه است (مطهری، ۱۳۶۱، ۱۴). عدالت به استناد اَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى، مهمترین رکن تقوا و پرهیزگاری است. فرمان حتمی الهی بوده و تنها یک ارزش اخلاقی نیست و الزاماً باید احساسات تحت الشعاع عدالت باشد زیرا که قیام به عدالت و گواهی به آن و دوری از هر گونه فردگرایی، نژادگرایی و یا ضعیف‌گرایی، معیار حق و عدالت است (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۴، ۴۰۷). شاید زمانی حضور فعال در اجتماع، اشتغال، کسب علم و ... برای زنان موضوعیتی نداشته تا مسئله اذن و توابع آن به گستردگی زمان فعلی مطرح شده و عدم اجرای آن بی‌عدالتی و مصداق ضرر محسوب گردد؛ ولی در زمانه کنونی برخورداری زن از حقوق اولیه انسانی از بارزترین مصادیق اجرای عدالت در راستای حفظ کرامت خواهد بود و در تنگنا قراردادن او به واسطه کسب اذن و ایجاد محرومیت در تحصیل علم، خروج از منزل، تحصیل و تصرف در اموال شخصی، احسان و نیکی به والدین، اشتغال و ... مخدوش نمودن کرامت و متضرر ساختن و بی‌عدالتی‌های بزرگی است که در حق زن اعمال می‌گردد و به بیان قرآن، خروج از عدالت برابر با ظلم و مستوجب عقوبت خواهد بود.

۵-۴. اذن و قاعده لاضرر و قاعده لاجرح

قاعده لاضرر، مستندی فقهی و دلیلی بر مشروع بودن منع تضرر زوجه، به واسطه اقدامات ناعادلانه

با توجه به آنچه در رابطه با تعارض اذن با قاعده لاضرر و کرامت بیان شد عدم سرایت اذن به همه امور و فعالیت‌های زوجه اثبات گردید؛ مگر آنجا که بالواقع و در حقیقت با حق اصلی زوج در تعارض قرار گیرد. لذا چنانچه زوجه به تمامی وظایف شرعی، اخلاقی و قانونی خود در چهارچوب مصالح خانواده و فرزندان متعهدانه عمل نماید هیچ فرد یا عاملی حق امتناع و یا ایجاد ممانعت برای بهره‌مندی و بهره‌برداری از حقوق طبیعی و مسلم انسانی و الهی از او را نخواهد داشت.

در ادامه به بررسی اذن و فعالیت اقتصادی زن پرداخته می‌شود. در صورت اثبات منع و حرمت خروج زن از منزل بدون اذن شوهر به‌عنوان یک قاعده کلی، دیگر نمی‌توان از استقلال مالی زن که به استناد و لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَ (نساء/۳۲) و هم-چنین قاعده تسلیط (الناس مسلطون علی اموالهم) که صراحتاً اقدام برای آن جایز شمرده شده است با تمام مقتضیاتش صحبتی به میان آورد. زیرا عقل و منطق حکم می‌کند که معنا و مفهوم استقلال مالی و آزادی در فعالیت‌های اقتصادی دارا بودن اصل این آزادی و امکان بهره‌برداری از آن می‌باشد. در یک سیستم حقوقی نظام‌مند و تابع اصول عقلانی نمی‌توان از یک سو به زن، همانند مرد، حق استقلال کامل در امور مالی داد و از سوی دیگر او را در چهاردیواری خانه محصور و خروج از این حصار را که از مقتضیات ضروری مدیریت آزاد مالی، بلکه جزء نیازهای اولیه یک انسان دارای حقوق و آزادی‌های فردی است، تابع مطلق و بی‌حد و حصر اراده شوهر قرارداد. با توجه به اینکه اموال زنان مانند مردان به-موجب حدیث «حرمة مال المسلم كحرمة دمه»

دارای حرمت مطرح شده (محمدی ری شهری ۱۳۸۴، ج ۵، ۱۰۵، ۲) و به استناد «لایحل لامری مال اخیه الا عن طیب نفس» (ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۳، ج ۲، ۱۱۳)، تصرف بدون رضایت در مال آن‌ها ممنوع می‌باشد (محقق داماد، ۱۳۸۹، ۱۱۲). لذا سلب این استقلال به واسطه اذن بر خلاف قواعد مسلم فقهی می‌باشد (علوی الحسینی الموسوی، ۱۳۹۶، ۴۵۲). «زیرا که یکی از مسلمات دین اسلام این است که مرد حقی به مال زن و کار زن ندارد، زن شوهردار از نظر اسلام در معاملات و روابط حقوقی خود تحت قیمومت شوهر نیست و در انجام معاملات خود استقلال و آزادی کامل دارد» (مطهری، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ۲۰۶). تفصیل مسئله خروج زن از خانه این است که مردی که با منع خروج همسرش از خانه موجب از بین رفتن دارایی موجود او (مثل ارث) یا با منع از رفتن او به دادگاهی که حفظ آبرویش به آن دادگاه وابسته است موجب از بین رفتن آبروی او می‌شود؛ در چنین فرضی کرامت انسانی زن خدشه دار می‌شود.

۶. نتیجه

با توجه به قاعده لاضرر، قاعده رفع حرج و نیز دستور قرآن بر امساک و معاشرت به معروف، عدم تطابق و سازگاری لزوم اخذ اذن زوجه از زوج در رابطه با امور گوناگون و از جمله خروج از منزل به‌طور مطلق ثابت می‌گردد و اصرار بر این امر بزرگ‌ترین اجحاف و سخت‌گیری به نام دین بر زن است. زیرا تنها در یک صورت کسب اجازه به‌عنوان وظیفه برای زن امری مسلم و قطعی است که این خروج با اولین و اصلی-ترین حق زوج که به‌دنبال عقد ازدواج پدیدار می‌شود در تعارض می‌باشد و قطعاً هرگاه تعارض و تزاومی

و نیز محقق بودن اهلیت تمتع برای همه انسان‌ها اعم از زنان و مردان، مشروط نمودن عقد ازدواج به برخی از حقوق اولیه در هنگام انعقاد پیمان مقدس ازدواج لازم نیست. زیرا به استناد اهلیت مذکور همه افراد فی نفسه از کلیه حقوق انسانی (اعم از فردی، اجتماعی، اقتصادی، علمی، عبادی و غیره) بهره‌مند می‌باشند. در صورت فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی مناسب و دقیق در رابطه با قواعد فقهی حاکم بر مسئله اذن و نیز تبیین دارا بودن اهلیت تمتع و اهلیت استیفا برای زنان، پایانی قانون‌مند و منصفانه بر خصومات ریشه‌دار و طولانی مدت زوجین، مخصوصاً در خانواده‌های مسلمان مقید بر اجرای احکام دین در رابطه با حقوق حقه زوجه و بر حول محور مسئله اذن پدیدار خواهد شد.

۷. سهم نویسندگان

همه نویسندگان این پژوهش مشارکت برابر داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش تضاد منافع وجود ندارد.

بین مسئله تمکین و دیگر امور حاصل شد اطاعت در استمتاع در اولویت قرار دارد و از جمله عملکردهای مثبتی که زن می‌بایست نسبت به آن اقدام لازم به عمل آورد ایجاد توازن در امور و عمل به وظیفه است. آنچه مسلم و به‌عنوان یک اصل مهم قابل توجه بوده و ضرورت اجرا دارد حفظ شئون زندگی مشترک، توسط زوجین با اهتمام به اموری چون مشورت، هماهنگی، رعایت مصالح زندگی مشترک، احترام به سلیق طرفینی و هر آنچه به قوی‌تر شدن بنیان خانواده می‌انجامد بوده و ممانعت از ورود هر گونه خسران به میان خانواده و وظیفه‌ای مستقر و یکسان بر دوش هر دو می‌باشد. با توجه به ایجاد اهلیت تمتع که از بدو تولد و به‌طور غیر ارادی و قهری برای همگان ایجاد می‌شود و تک‌تک افراد به واسطه این حق از کلیه حقوق و آزادی‌های مدنی برخوردار خواهند شد و هم‌چنین پیدایش اهلیت استیفا که همان اهلیت اجرای حق و اهلیت ادا همگام با دارا بودن شرایط لازم قانونی است، به‌طور قطع زن و مرد در حقیقت انسانیت و کرامت انسانی با یکدیگر برابر بوده و لزوم پاس‌داشت این تکریم بر همه ضروری است. زیرا به‌دنبال حفظ کرامت انسانی زن، حقوق فردی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و غیره برای او لحاظ خواهد شد و با توجه به این امر که استفاده از تخصص و توانمندی‌های علمی و عملی برای زنان و پس از ازدواج نیز به‌عنوان یک حق مسلم محفوظ است، مشروط نمودن امور شخصی زن به اذن شوهر و به‌صورت مطلق و عدم بهره‌برداری از این توانمندی‌ها به علت مخالفت زوج مصداق حقیقی ضرر خواهد بود و این امر خلاف حقیقت دین و مردود می‌باشد. با توجه به اثبات لزوم حفظ کرامت انسانی زن و با در نظر گرفتن قاعده مهم و تأثیرگذار لاضرر

منابع

فارسی

قرآن کریم

- غفوری چرخابی، حسین؛ قدرتی، محمد، «بررسی قاعده لاضرر با رویکرد تطبیق برحق کرامت انسانی»، مجله مطالعات حقوق، شماره ۱۹، بهار ۱۳۹۷.

- فضل‌الله، محمدحسین، دنیای زن، ترجمه دفتر پژوهش و نشر سهروردی، چاپ اول، تهران، نشر دفتر پژوهش و نشر سهروردی، ۱۳۸۱.

- قرائتی، محسن، تفسیرنور، جلد چهارم، چاپ سوم، تهران، نشر مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳.

- محقق داماد، مصطفی، بررسی فقهی حقوق خانواده-نکاح و انحلال آن، چاپ چهارم، تهران، نشر علوم اسلامی (اندیشه‌های نو در علوم اسلامی)، ۱۳۸۹.

- محمدی ری‌شهری، محمد، میزان الحکمه، جلد دوم، چاپ سوم، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۸۴.

- مطهری، مرتضی، فقه و حقوق (مجموعه آثار)، جلد نوزدهم، چاپ هفدهم، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۹.

- مطهری، مرتضی، بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی، چاپ دوم، تهران، نشر حکمت، ۱۳۶۱.

- مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، جلد نوزدهم، چاپ یازدهم، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۴.

عربی

- ابن ابی‌جمهور، محمدبن زین‌الدین، عوالی اللئالی، جلد دوم، چاپ سوم، قم، مؤسسه سید الشهداء، ۱۴۰۳.

- آخوند خراسانی، محمدکاظم، درر الفوائد فی حاشیه علی الفرائد، چاپ سوم، تهران، مؤسسه النشر و الطبع، ۱۴۱۰.

- احمدوند، خلیل‌اله؛ شنبه‌پور، حدیث، «بررسی تطبیقی دو قاعده لاضرر و نفی عسر و حرج در اعسار زوج از پرداخت نفقه با لزوم تمکین زوجه»، مجله قانون‌یار، سال هفتم، شماره ۲۶، بهار ۱۴۰۲.

- اکبرینه، پروین، «نقش قاعده لاضرر در تعارض حق اشتغال زوجه با حقوق زوج»، مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی، شماره اول، بهار ۱۳۹۰.

- جعفری تبریزی، محمدتقی، رسائل فقهی، چاپ اول، تهران، نشر مؤسسه منشورات کرامت، ۱۳۷۷.

- جعفری تبریزی، محمدتقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، چاپ اول، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱.

- جوادی‌آملی، عبدالله، زن در آینه جلال و جمال، چاپ اول، قم، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۹.

- خمینی، سیدروح‌الله، صحیفه نور، جلد دوم و یازدهم، چاپ سوم، تهران، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.

- ساجدی، مهدی؛ موسوی‌زاده، سیدجواد؛ موارد لزوم اذن شوهر در فقه اسلامی، مجله پژوهش‌های فقهی، دوره هفتم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰.

- سبحانی، محمدتقی، الگوی جامع شخصیت زن مسلمان، جلد اول، چاپ دوم، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۲.

- بجنوردی، سیدمحمد، قواعد فقهیه، چاپ سوم، تهران، مؤسسه عروج، ۱۴۰۱.
- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، جلد هشتم، چاپ دهم، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۸.
- حر عاملی، محمدبن حسن، الفوائد الطوسیة، چاپ سوم، قم، مکتبه المحلاتی، ۱۴۲۳.
- حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ پنجم، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳.
- خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۷.
- طباطبائی، محمدحسین، تفسیر المیزان، جلد دوازدهم و سیزدهم، چاپ هفتم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷.
- علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، جلد سوم، چاپ یازدهم، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۹.
- علامه حلی، حسن بن یوسف، قواعد الاحکام، جلد سوم، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸.
- علوی الحسینی الموسوی، محمدکریم، کشف الحقایق عن نکت الآیات و الدقایق، ترجمه عبد المجید صادق نوبری، چاپ سوم، تهران، انتشارات اقبال، ۱۳۹۶.
- فاضل هندی، محمدبن حسن، کشف اللثام عن قواعد الاحکام، جلد هفتم، چاپ ششم، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۲۴.
- فخرالمحققین، محمدبن حسن بن یوسف، ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد، جلد سوم، چاپ پنجم، قم، موسسه اسماعیلیان، ۱۳۸۹.
- کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، جلد چهارم و پنجم، چاپ ششم، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۹۵.
- محقق حلی، جعفر بن حسن، شرائع الاسلام، چاپ نهم، قم، دارالهدی للطباعة و النشر، ۱۴۰۸.
- محقق داماد، سیدمصطفی، قواعد فقه، چاپ دوازدهم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۴۰۶.
- مکارم شیرازی، ناصر، کتاب النکاح، جلد ششم، چاپ نهم، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۴.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، جلد چهارم، چاپ هشتم، تهران، نشر دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴.
- موسوی همدانی، سیدمحمد باقر، ترجمه و تفسیر المیزان، جلد چهارم، چاپ سوم، قم، نشر دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، جلد سی و یکم، چاپ هفتم، تهران، المکتبه الاسلامیه، ۱۳۶۵.